ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ تلفن: ۱۴ ـ ۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■
سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ـ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴ ■
نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ / صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii سه‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۱- شماره ۷۰۵۰ نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

WWW.INN.IR
info@inn.ir

پرونده

سوژه روز

کابوس سرخ

آیسان سعیدی - کابوس سرخ در این فصل بالاخره تمام شد. بابدترین شکل ممکن و با ناکامی برابر رقیب دیرینه که در این فصل همه رکوردها و اعداد را جابه‌جا کرد تا دیگر هیچ حرف و حدیثی در قهرمانی آنها و ناکامی پرسپولیس باقی نماند. پرسپولیس در قیاس با رقیب دیرینه، تیم نومید کننده این فصل بود؛ بی‌انگیزه، خسته، ناامید و ورشکسته. تیمی بی‌هدف که در زمین هر چی زد به در بسته خورد و به رقیب نزدیک هم نشد و در بیرون زمین به جای تمرکز برای رفع معایب و اشکالات در حواشی از استعفا گرفته تا بیانیه‌نویسی و حمله به رقبا قرار داشت. این حقیقتی است که نمی‌توان آن را کتمان کرد. پرسپولیس این فصل بیشتر از اینکه از سوی رقبا بویژه رقیب سنتی مورد تهدید قرار بگیرد و منکوب شود، از خود و درون ضربه خورد و لطمه دید. آنها در تمام طول فصل با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان بودند؛ از توهم توطئه تا مربی بدون تمرکز که ۳ بار در طول فصل استعفا داد تا تیمی که نیمی از فصل را بدون مدیرعامل سپری کرد. در حوزه فنی نیز آنها بعد از جدایی چند ستاره دانه درشت از احمد نور گرفته تا کنعانی و مغانلو هرگز مهره‌های باکیفیتی را جذب نکردند و جانشین‌های ستاره‌ها جملگی حتی ۳۰ درصد نفرات قبلی نبودند تا در منظر منفی نیز پرسپولیس به شدت افت کند و زمینگیر شود. تیمی که هرگز نشانی از صلابت و اقتدار گذشته را نداشت و آشکارا سینه‌خیز در لیگ جلو می‌آمد. سینه‌خیزی که هرگز همسنگ تاخت و تاز حریف نبود تا سرخ‌ها در طول فصل حتی برای یک بار هم صدر جدول را نبینند. ناکامی این فصل پرسپولیس ریشه در همین واقعیت‌ها دارد؛ حقایقی که در طول فصل نادیده گرفته شد تا پرسپولیس از اریکه قدرت پایین بیفتد.

گزارش یک

سعید زاهدیان

خریدهای جدید و نارضایتی کادرفنی از تیم فصل قبل

یحیی بزرگترین منتقد یحیی

پرسپولیس نیاز به اصلاحات گسترده‌ای داشت؛ در طول فصل نه یحیی این مسأله را می‌پذیرفت و نه مغز متفکرش حمید مطهری. البته درباره حمید مطهری بحث زیاد است که سر فرصت به این موضوع می‌پردازیم اما با خریدهایی که این روزها پرسپولیس انجام می‌دهد، به وضوح می‌بینیم که یحیی گل‌محمدی تا چه میزان به تیمش انتقاد دارد!

۱- پرسپولیس در خط دفاع سراغ علیرضا بیرانوند رفته؛ این انتخاب نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین ارکان تیم پرسپولیس متزلزل بود و یحیی گل‌محمدی در انتخاب لک از ابتدا اشتباه کرده است. ماه‌ها قبل، یکی از اعضای کادرفنی به این اشتباه پرسپولیس اعتراف کرده بود که حاشیه‌های حامد لک، باشگاه و کادرفنی را به ستوه آورده. یکی از مهم‌ترین بازیکنان تیمی که برای قهرمانی بسته می‌شود، دروازه‌بان است. حامد لک که این فصل افت محسوسی داشت، با اشتباهاتش باعث شد تا پرسپولیس از صدر جدول فاصله بگیرد. حامد لک عملاً دروازه‌بانی نبود که پرسپولیس برای قهرمانی نیاز داشت.

۲- در خط دفاع هم پرسپولیس هیچگاه به ترکیب ثابتی نرسید؛ فصل را با نعمتی و فرشاد فرجی شروع کرد اما پایان مصدومیت سیدجلال باعث شد تا مدام شاهد تغییر در خط دفاع پرسپولیس باشیم. برای فصل پیش رو، پورعلی‌گنجی با پرسپولیس قرارداد بست و این تغییر نشانگر نارضایتی یحیی از خط دفاع فصل قبل است.

۳- به خط میانی پرسپولیس نگاه کنیم؛ رضا اسدی یکی از خریدهای اشتباه پرسپولیس بود و هرگز نتوانست جای خالی احمد نوراللهی را پر کند. گروهی معتقدند «رضا اسدی بازیکن بدی نیست» ولی یحیی نتوانست از او خوب بازی بگیرد. چه اسدی بازیکن ضعیفی باشد و چه یحیی را عامل افت او بدانیم، مقصر کسی نیست جز خود گل‌محمدی.

۴- پرسپولیس در خط حمله هم ضعف‌های بزرگی داشت؛ مهدی عبدی که دو فصل پیش جزو ستاره‌های پرسپولیس بود، فصل گذشته به یک بازیکن تنبل تبدیل شد. عبدی آنقدر افت کرد که برای مقطعی از سوی کادرفنی تنبیه شد و او را کنار گذاشتند. دلایل افت عبدی را باید از کادرفنی پرسید. مهاجمی که همواره در نقش تعویض طلایی می‌درخشید، این فصل افت چشمگیری داشت؛ چرا؟

۵- مجموعه اتفاقات این فصل ما را به این نتیجه می‌رساند که بازیکنان زیرنظر یحیی نه تنها رشد نکرده‌اند، تعداد زیادی از بازیکنان هم با افت محسوسی مواجه شدند. سیدجلال، مهدی ترابی، احسان پهلوان، امید عالیشاه، حامد لک، سعید آقایی، سیامک نعمتی، وحید امیری و... در طول فصل یا مصدوم بودند یا در مقاطعی که به شرایط بازی رسیدند هرگز مثل روزهای اوج خود بازی نکردند.

این ایراد متوجه کادرفنی است و شیوه تمرینات است؛ از یحیی و کادرش باید پرسید که بدنسازی و تمرینات آماده‌سازی ابتدای فصل چگونه بود که پرسپولیس با تعداد زیادی مصدوم مواجه شد؟

خریدهای جدید و تغییراتی که پرسپولیس برای فصل آینده در نظر دارد، یک مفهوم را به ذهن‌ها متبادر می‌سازد: یحیی بزرگترین منتقد یحیی و تیمی است که نایب قهرمان شد!

پنالتی

سام ستارزاده

روزهای پس از «هادی نوروزی»

بی‌شک درگذشت شادروان هادی نوروزی یکی از رخدادهایی بود که تلخی آن هیچ‌گاه از تقویم سرخ‌ها پاک نخواهد شد؛ اما این واقعه آغازی بود بر یکدل ساختن هواداران پرسپولیس؛ نقطه‌عطفی برای آن که قرمزهای پایتخت اختلافات‌شان بر سر علی دایی، حمید درخشان، حمید استیلی و بسیاری از پیشکسوت دیگر را کنار گذاشته و زیر یک پرچم از پرسپولیس حمایت کنند تا بتوانند جام‌های قهرمانی دوره طلایی خود را به مرحوم نوروزی و خانواده‌اش تقدیم کنند.

در نخستین سال از دوران پس از شادروان نوروزی که برای پرسپولیسی‌ها بدون جام به سر آمد، آنچه حتی در این روزهای پس از پایان فصل به چشم می‌آید، چنددستگی در محافل سرخ است. دودستگی میان یحیی گل‌محمدی و مربی معتبر خارجی، میان ماندن یا رفتن حمید مطهری و سیدجلال حسینی و حتی میان دانیال اسماعیلی‌فر و رامین رضائیان برای تقویت جناح راست تیم.

شاید شوربختانه تعطیلی سکوهای هواداری ورزشگاه‌ها در این سال‌ها، تا حدودی هواداران پرسپولیس را از دقیقه ۲۴های باشکوهی که یاد کاپیتان سابق‌شان را در اتمسفر ورزشگاه زنده نگاه می‌داشت، غافل ساخته است؛ لحظه‌هایی که به ارتش سرخ این انگیزه را می‌داد که در انتهای فصل، فتوحات‌شان را در کیورچال و کنار هادی و هانی نوروزی جشن بگیرند.

یحیی گل‌محمدی برای تقویت ضعف‌های فردی بدنه تیم، دست به خریدهای بسیار بزرگی زده؛ از ملی‌پوشانی همچون علی‌رضا بیرانوند و مرتضی پورعلی‌گنجی گرفته تا سپاهانی‌هایی که در آستانه امضا با قرمزهای پایتخت هستند. جذب این عناصر پیش از آغاز رسمی بازار نقل‌وانتقالات تابستانی، لیگ بیست‌ودوم پرسپولیس را یک گام جلوتر از سایر رقبا می‌اندازد؛ اما برای احیای بنای باشکوه دوران برانکو، تمرکز کادرفنی و مدیریتی پرسپولیس باید روی بازگرداندن نظم و انضباط مثال‌زدنی تیم برانکو باشد؛ روی روحیه تیمی که روزگاری نه‌چندان دور، تک‌تک بازیکنانش به هیچ هدف جناحی جدا از نام پرسپولیس نمی اندیشیدند.

تک به تک

یونس علیزاده

درود بر بهانه و اختلاف، درود بر ناکامی!

حمید مطهری طوری از نایب قهرمانی پرسپولیس تعریف و تمجید می‌کند که انگار طرفداران فوتبال، دوران اوج این تیم با برانکو ایوانکوویچ را از یاد برده‌اند.

انگار کسی در آن زمان، بینا و شنوا نبوده و همه یادشان رفته که کادرفنی فعلی، این تیم را به چه روزی انداخته است. آنها با این مدل تعریف و تمجید از عملکرد پرایراد خود، در واقع درود فرستادند بر ناکامی! مطهری گفت: «اگر سه امتیاز تراکتور را بدهند و دو امتیاز بازی با گل‌گهر را از استقلال کم کنند، ما با تیم قهرمان لیگ، فقط سه امتیاز فاصله داریم که در صورت برد در دربی برگشت، این فاصله هم از بین می‌رفت!» با خواندن این جمله، متوجه می‌شویم کادرفنی به جای پذیرش اشتباهات بزرگ خود، همچنان در حال دست و پا زدن برای رسیدن به ریسمان بهانه‌هاست.

چقدر بهانه؟ مردم خسته شده‌اند! چه کسی است که نداند پرسپولیس در فصل بیست و یکم، خانه بهانه‌آفرینی و اختلاف بود. تیمی که در خریدهای ابتدای فصل خود دچار اشتباه شد و هرگز نتوانست از ضعف سایر تیم‌های مدعی استفاده کند.

استقلال بارها با تساوی‌های پیاپی، به پرسپولیس راه داد تا صدرنشین شود. سپاهان اصلاً در حد و اندازه‌های نام خودش نبود. گل‌گهر دچار کسر امتیاز انضباطی شد. فولاد برای قهرمانی دیر استارت زد و باقی تیم‌ها، حتی نمی‌توانستند برای رسیدن به رده سوم جدول بجنگند اما پرسپولیسی‌ها در تمام این مدت دنبال بهانه بودند. اگر یحیی گل‌محمدی و دستیارانش به جای پرداختن به بهانه‌جویی‌ها، وقت خود را صرف یافتن راهکاری جهت پیشرفت تیم می‌گذاشتند، بدون شک پرسپولیس قهرمان این فصل می‌شد. آنها بر طبل «اشتباه دیگران» کوبیدند و هرگز نگفتند «خودمان هم اشتباه کردیم». البته طرفداران پرسپولیس همه چیز را می‌دانند. تیم گل‌محمدی از همان بازی با الهلال عربستان، قبل از شروع فصل که بهانه‌جویی را شروع کرد، قافیه قهرمانی را باخت و ناکامی را در آغوش کشید. همه چیز از همان روز آغاز شد.

نفر به نفر

مازیار فیروزی

پرسپولیس کجا قافیه قهرمانی را باخت؟

پرسپولیس نتوانست ششمین قهرمانی در لیگ برتر را تجربه کند و این بدترین اتفاق برای هوادارانی بود که منتظر چنین فرصتی بودند تا لابه‌لای همه درگیری‌هایی که دارند با عدد شش و قهرمانی‌های پی‌درپی کری بخوانند اما نشد؛ نشد تا استقلال بالاتر از آنها و پس از سال‌ها قهرمانی را جشن بگیرد.

یکی - دو هفته از قهرمانی آبی‌ها می‌گذرد و یک جورهایی می‌توان گفت که همه چیز زیر سایه این قهرمانی گم شد. یعنی یک نفر نیامد آنالیز کند که چرا پرسپولیس این همه افت کرده بود؟ چرا مثل فصل قبل نبود و دقیقاً از کجا ضربه خورد؟

شاید این اتفاق در ظاهر ساده باشد اما پاشنه آشیل تیم یحیی بوده است؛ دفاع میانی! با جدایی محمدحسین کنعانی‌زادگان از این تیم سه بازیکن جذب پرسپولیس شدند؛ وحدت هنانوف، علیرضا ابراهیمی و علی نعمتی. حتی نعمتی و ابراهیمی سرلیست یحیی گل‌محمدی برای بازی در این پست بودند اما یک کارشناس بیاید و بگوید که کدام یک از این سه مهره توانستند به خوبی همه وظایفی که به آنها سپرده شده بود را انجام بدهند؟ انگار که یک خلأیی بود آن وسط. سردرگم و روی هوا! به قول فوتبالی‌ها بعد از دروازه‌بان، یک مدافع وسط ششدانگ از نان شب برای هر تیمی لازم است. اینجا بحث قیاس بین یحیی و فرهاد نیست اما می‌شود از استقلال مجیدی مثال زد. او مرادمند ویزدانی را از دست داد، عارف آقاسی هم که پیش‌تر رفته بود و داسیلوای برزیلی هم که یکی دو بازی محروم بود اما دفاع استقلال آخ نگفت. آنها شکننده نبودند و پشت به پشت هم ایستاده بودند تا سدی شکسته نشود؛ دقیقاً نقطه‌ای که پرسپولیس از آن ضربه خورد و کسی هم حواسش به آن نبود. شاید یحیی و مطهری تازه به فکر این بخش مهم افتاده‌اند که مرتضی پورعلی‌گنجی را جذب کرده‌اند، شاید...

طنزیم

هومن جعفری

چهره دوگانه ورزشگاه آزادی

بازگشت تیم‌هایی همچون ملوان و مس کرمان به لیگ برتر و صعود چوکا به لیگ دسته اول از معدود اتفاقات خوبی است که این روزها در فوتبال ایران در حال رخ دادن است! دست‌کم تیم‌هایی بالا می‌آیند که تماشاگر دارند و این خودش نکته ارزشمندی است. در روزهایی که تصمیم‌گیرندگان برای فوتبال به هر دری می‌زنند که سکوها را بی‌رمق‌تر و مسابقات را کم‌تماشاگرتر کنند، حضور تیم‌های پرطرفدار در سطوح اول فوتبال ارزش بالایی دارد به شرط اینکه عزیزان تصمیم‌گیرنده، تماشاگران همین تیم‌ها را با تصمیمات عجیب و غریب خودشان از فوتبال زده نکنند!

عکس روز

دوچرخه‌سواری ۲۸۰ مایلی رونالدو در جاده سانتیاگو

رونالدو نازاریو مهاجم اسطوره‌ای فوتبال برزیل دوچرخه‌سواری ۲۸۰ مایلی را آغاز کرده است چرا که قول داده بود در صورت بازگشت وایادولید به لالیگا این کار را انجام بدهد.

ستاره برزیلی اسبق رئال مادرید، اینتر، میلان و بارسلونا که در حال حاضر مدیر باشگاه وایادولید است، به هواداران تیمش قول داده بود که اگر تیم اسپانیایی به لالیگا برگردد، با دوچرخه از وایادولید به سانتیاگو می‌رود.

رونالدو در سال ۲۰۱۸ مجموعاً ۵۱ درصد از سهام باشگاه وایادولید را خریده بود که این باشگاه در فصل ۲۱-۲۰۲۰ به لیگ دسته دو سقوط کرد. اما آنها پس از یک سال با قرار گرفتن در رتبه دوم لیگ دسته دو اسپانیا به لالیگا برگشتند. رونالدو نازاریو در مورد اقدام خود گفت: «قول داده بودم که اگر به لالیگا برگردیم، مسیر جاده سانتیاگو را طی خواهم کرد. این کار را با دوچرخه انجام می‌دهم چون نمی‌توانم بدوم. همسرم و خودم یکشنبه از وایادولید حرکت‌مان را آغاز کرده‌ایم و با دوچرخه به سانتیاگو کمپوستلا می‌رویم. کار زیبایی خواهد بود. می‌دانم که از نظر بدنی اذیت می‌شوم اما تجربه‌ای فراموش نشدنی خواهد بود.»

رونالدو باید چهار روز مسیری طولانی را به همراه همسرش با دوچرخه در این جاده مقدس در شمال غرب اسپانیا طی کند.

یاد

وصال روحانی

درباره گارنیک مهرابیان که او را روز یکشنبه از دست دادیم

یک پیشاهنگ واقعی

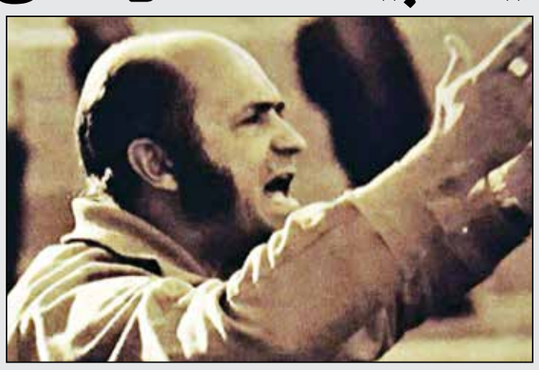

گارنیک مهرابیان که روز یکشنبه ۱۵ خرداد در ۸۵ سالگی چشم از جهان فرو بست، از مفاخر فوتبال ارامنه بود و کل جامعه این ورزش در کشورمان به نوعی به وی احساس وامداری می‌کرد. مهرابیان که در سال ۱۳۱۶ به دنیا آمد، از بنیانگذاران تیم فوتبال آرارات تهران بود و از قدیمی‌ها کیست که نداند آرارات تا چه حد در فوتبال تهران جریان‌ساز و از دلایل افزایش جاذبه لیگ تهران و سایر مسابقات پایتخت و بواقع کل ایران بود. اهمیت و طول مدت حضور آرارات در سطح اول فوتبال کشور به حدی رسید که حتی در دهه ۱۳۵۰ در بالاترین سطح کشوری هم ابراز وجود می‌کرد و در لیگ‌های سراسری ادعای حضور داشت و شماری از بازیکنان آن تیم شامل آرشاویر ملکی، کارو حق‌وردیان و وازگن صفریان (که دومی بعداً استقلالی و سومی بعداً پرسپولیسی شدند) به تیم ملی هم فرا خوانده شدند و چیزی از سایر بازیکنان آن تیم کم نداشتند. نسل‌های بعدی آرارات امثال ماییس میناسیان، آندرانیک اسکندریان و در نهایت آندو تیموریان را هم تحویل تیم‌های ملی در دهه‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ دادند و در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مربیان مشهوری مثل حسن حبیبی هم سال‌ها در آرارات زمامداری کردند تا اگر این تیم با عصر طلایی‌اش (دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰) برابری نمی‌کند، لااقل به یک تیم درجه چندم در عصرهای بعدی هم تبدیل نشود و همچنان مرد میدان‌های مهم باشد.

استقلال و تیم ملی هم پذیرای «او» شدند

گارنیک مهرابیان در چنین تیمی یک نقش پیشرو و فعال داشت و هم در دوران بازیگری‌اش و هم زمانی که جامه مربیگری را به تن کرد، سال‌ها به آرارات خدمات ریشه‌ای و اساسی ارزانی داشت. او در جوانی با گلسازی‌ها و گلزنی‌هایش، آرارات را در جمع تیم‌های موفق و خبرساز لیگ تهران جای می‌داد و وقتی مربی شد، پایه آموزش اولیه بسیاری از بازیکنان خوب و توانای ارمنی را گذاشت تا از هر جهت یک پیشاهنگ واقعی و یک لیدر برای چند نسل و مدرس و کارآموز فوتبالیست‌های لایق ارمنی و بواقع آموزش دهنده شماری چشمگیر از فوتبالیست‌های این مملکت باشد. از قدر و ارزش و جایگاه بالای او همین بس که او قبل از وقف کردن خود در آرارات چند سال در تیم تاج (استقلال) هم بازی می‌کرد و سابقه عضویت در تیم ملی ایران را هم داشت.

خاطره‌سازی برای ماشین‌سازان

گارنیک پس از هدایت تیم آرارات تهران در سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ به کار در تیم ملی جوانان ایران در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ پرداخت و از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ عضو کادر فنی تیم ملی بزرگسالان ایران هم بود و این دوره‌ای بود که سرمربیگری کشورمان را حشمت مهاجرانی برعهده داشت. تیم بعدی که مهرابیان به آن روی آورد، ماشین‌سازی تبریز طی سال‌های ۱۹۷۸تا ۱۹۸۰ میلادی بود و اثرگذاری او در این باشگاه پرطرفدار و قدیمی آذربایجان شرقی به حدی رسید که هواداران قدیمی این تیم هم‌اینک نیز با عشق و صفای فراوان از او یاد می‌کنند و شخصیت و دستاوردهای وی را می‌ستایند و با خاطره‌های شیرین او خوش‌اند.

از امارات تا امریکا

گارنیک در دوران مربیگری‌اش به کشورهای خارجی هم روی آورد و در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ در کادر فنی تیم ملی امارات جای داشت و در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ در تیم باشگاهی رأس‌الخیمه امارات به مربیگری پرداخت. آخرین تیمی که گارنیک در آن فعالیت می‌کرد، باشگاه پیونیک در شهر لس‌آنجلس امریکا در سال ۲۰۰۷ بود اما به آرامی زمان خستگی و بازنشستگی پس از سال‌ها کار بی‌وقفه برای گارنیک رسیده بود و اینچنین بود که او در ۱۵ سال آخر عمر پربارش کمتر در مجامع فوتبال رؤیت می‌شد و بیشتر استراحت می‌کرد و به گذشته‌اش می‌اندیشید و خاطرات خود را مرور می‌کرد اما امروز که او دیگر در میان ما نیست، بهترین وقت برای تأکید بر این نکته است که ارزش‌های فنی گارنیک غیرقابل فراموشی است و او مردی بود که تمامی جامعه فوتبال ما می‌تواند به او ببالد. مردی سازنده از تبار بهمن صالح‌نیاها، «آقا مدد»ها و برادران ابوطالب و همچنین حسن حبیبی‌ها، محمد رنجبرها، منوچهر سالیاها و البته پرویز دهداری‌ها؛ مردانی که مدرسان واقعی چندین و چند نسل از فوتبال کشورمان بوده‌اند و توصیف همه ارزش‌هایشان واقعاً سخت است.

چهره روز

بهرامی: به ایران وابسته هستیم

ماجرای تنیسور ایرانی که با ماهیتابه بازی می‌کرد

منصور بهرامی نامی آشنا برای علاقه‌مندان تنیس است. تنیسور معروف ایرانی که سال‌هاست در حوزه بازی نمایشی همه را انگشت به دهان می‌گذارد.

دیروز سام بهرامی، پسر منصور بهرامی تنیسور ایرانی درباره حضور پدرش در مسابقات تنیس رولان گاروس امسال مصاحبه‌ای انجام داد که خواندنش خالی از لطف نیست. او گفت: به پدرم افتخار می‌کنم که در سن ۶۶ سالگی هنوز تنیس بازی می‌کند و کسی است که چندین نسل او را می‌پرستند. وقتی به نمایشگاه‌های تنیس می‌رویم با چشمانم می‌بینم که بچه‌های چهار، پنج ساله که با پدر و مادرشان می‌آیند، از پدرم خوششان می‌آید و عاشق بازی او هستند و این موضوع مرا خوشحال می‌کند.

پدرم به دنبال شادی مردم است

پدرم دوست دارد با تنیس بازی کردن مردم را شاد کند. من پدرم را به جای بازیکن تنیس بیشتر به‌عنوان یک هنرمند قبول دارم. او بازیکن منحصر به فردی است و شاید کسی را نمی‌توانید پیدا کنید که همچون او بازی نمایشی در سطح حرفه‌ای رقابت‌های تنیس انجام دهد.

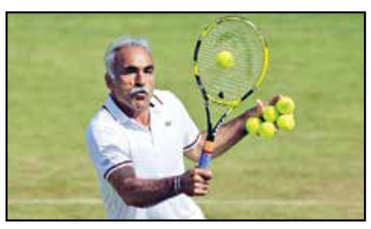

پدرم در دوران کودکی با ماهیتابه تنیس بازی می‌کرد

پدربزرگم باغبان یک مجموعه ورزشی در مرکز تهران بود و به همین دلیل پدرم اجازه داشت از تمامی ورزش‌های این مجموعه استفاده کند، اما اجازه استفاده از تنیس را نداشت. به همین دلیل او فکر کرد تا در استخر خالی مجموعه با ماهیتابه مادربزرگم روی دیوار تمرین کند و من فکر می‌کنم بعضی از حرکات نمایشی او از آن زمان سرچشمه گرفته است. پدرم با این فعالیت حتی در سال ۱۹۸۹ به مرحله فینال ۲ نفره مسابقات تنیس جهانی هم رسید و این موضوع انرژی‌اش را برای بازی تنیس بیشتر از قبل کرده و باعث شده تا زمانی که دیگر نای حرکت نداشته باشد، تنیس بازی کند.

ما به ایران وابسته‌ایم

هر بار که به ایران می‌آییم تعداد بسیاری به استقبال‌مان می‌آیند و منتظر ما هستند. ما نیز به ایران وابسته‌ایم و وطن خودمان را دوست داریم. پدرم که ایران را دوست دارد و وطن اوست. من نیز به‌دلیل اینکه در فرانسه بزرگ شده‌ام، ایران و فرانسه را به یک اندازه دوست دارم.

اتفاق روز

ماجرای اعتصاب بازیکنان تیم ملی کانادا

پول بیشتری می‌خواهیم

ماجرای بازی‌های تدارکاتی تیم ملی فوتبال کانادا که امسال برای دومین بار در تاریخ به جام جهانی فوتبال صعود کرده، خیلی عجیب شده. کانادایی‌ها که پیشتر فقط رنگ جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک را دیده بودند، با قدرت هرچه تمام‌تر به مسابقات قطر ۲۰۲۲ رسیدند. در مرحله نهایی مسابقات انتخابی از امریکای شمالی و مرکزی، کانادا حتی از مدعیان سنتی این منطقه یعنی امریکا و مکزیک هم بیشتر امتیاز گرفت و صدرنشین شد اما حالا فوتبال‌دوستان این کشور با شوک بزرگی روبه رو شده‌اند؛ بازیکنان تیم ملی اعتصاب کرده‌اند.

کانادایی‌ها قرار بود این هفته با تیم ملی ایران بازی کنند که حتماً می‌دانید به دلایل سیاسی از انجام این بازی سرباز زدند. فدراسیون فوتبال این کشور بازی با تیم پاناما را جایگزین آن بازی لغو شده کرد اما این بازی به‌دلیل عجیب‌تر دیگری لغو شد.

ماجرا از این قرار است که بازیکنان کانادا به دلیل شرایط مالی و عدم شفافیت فدراسیون فوتبال این کشور در خصوص قراردادهای مالی، دو ساعت مانده به دیدار دوستانه با پاناما از حضور در این دیدار امتناع کردند. درواقع شاید حتی اگر بازی کانادا و ایران لغو هم نمی‌شد، بازیکنان کانادا به دلیلی مشابه حاضر نمی‌شدند به زمین بروند!

اصل حرف بازیکنان تیم ملی کانادا این است که پول بیشتری بابت درآمدهای فدراسیون فوتبال این کشور از بابت صعود به جام جهانی می‌خواهند. آنها اعتقاد دارند نقش اصلی را در این درآمدزایی ایفا کرده‌اند و مستحق گرفتن مبلغی قابل توجه از پاداش‌های فیفا و درآمدهای حاصله هستند.

آنها در قسمتی از بیانیه‌ای که روز گذشته منتشر کردند، نوشته‌اند: «چهار سال پیش پروژه‌ای را آغاز کردیم تا شرایط را از چیزی که در آن بودیم، بهبود ببخشیم. در آن زمان، بیش از ۳۰ سال از اولین و آخرین حضور ما در جام جهانی فوتبال می‌گذشت. گذشته از رؤیای کودکی ما برای بازی در جام جهانی، امیدوار بودیم صعود این تیم به جام جهانی احترام و فرصت‌های بهتر مالی را برای ما به ارمغان بیاورد و متعاقب آن سطح استانداردها و فرصت‌ها را برای بازیکنان نسل آینده فوتبال در کانادا بالا ببرد و تراژدی فوتبال در کانادا را برای همیشه تغییر دهد.

با وجود موفقیت‌های بی‌سابقه تیم‌های ملی فوتبال زنان و مردان کانادا در فصل ۲۰۲۱-۲۲ شاهد هیچ تغییری نبودیم. پیشرفت و بهبود شرایط چه شد؟ چه بلایی سر پول‌ها آمد؟

به‌تازگی متوجه شده‌ایم در سال ۲۰۱۸، فدراسیون فوتبال کانادا قراردادی با شرکت Canada Soccer Business به امضا رسانده است که تمامی موفقیت‌های درون زمین تیم‌های فوتبال بزرگسالان (زنان و مردان) را به خطر انداخته است. به‌منظور حفظ بروژه تغییر در فوتبال کانادا نیاز داریم تمامی بندهای این قرارداد به صورت شفاف افشا و تصحیح شود. می‌خواهیم بدانیم چه کسی این قرارداد را امضا کرده و دست‌وپای ما را بسته است؟ چرا فدراسیون فوتبال کانادا اختیار خود و همچنین بزرگترین شانس برای تغییر در این سال‌ها را از دست داده است؟»

ظاهراً فدراسیون کانادا در سال ۲۰۱۸ قراردادی نوشته و بابت حمایت شرکت مذکور در بیانیه بازیکنان پولی برای آماده‌سازی تیم‌های ملی به‌دست آورده اما در عوض قول داده قسمت قابل توجهی از پاداش و درآمدهای صعود احتمالی کانادا به جام جهانی را تقدیم آن شرکت کند.

به خاطر همین بازیکنان در پایان بیانیه‌شان خواسته‌هایی اعلام کرده‌اند که مهم‌ترینش اینها هستند:

* بازبینی و شفافیت در قرارداد با شرکت Canada Soccer Business
* ایجاد یک ساختار منصفانه برای فوتبال زنان که تمامی دستمزدها، میزان جوایز در جام جهانی با تیم ملی مردان در آن یکی باشد و همچنین لیگ داخلی فوتبال زنان را بهبود بخشد.
* اختصاص ۴۰ درصد از درآمدهای جام جهانی به بازیکنان و همچنین اختصاص پکیج حضور خانواده و دوستان بازیکنان در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر.
* حضور بیشتر بازیکنان پیشین تیم‌های ملی زنان، مردان و پارالمپیک کانادا در سطوح بالای فدراسیون فوتبال کانادا.

بازی‌های ملی

پیروزی کره جنوبی برابر شیلی با درخشش فوق ستاره‌ها

نیمار با گلزنی به ژاپن رکورد شکن شد

دیروز ظهر دو بازی دوستانه قابل توجه بین تیم‌های آسیایی و امریکای لاتین برگزار شد. در یکی از آنها کره جنوبی با درخشش سون هیونگ مین و هوانگ هی چان از سد شیلی گذشت تا شکست سنگین مقابل برزیل به دست فراموشی سپرده شود.

کره در این بازی ۲-صفر پیروز شد. هوانگ هی چان، ستاره تیم فوتبال وولورهمپتون در دقیقه ۱۲ و سون هیونگ مین، فوق ستاره تیم تاتنهام در دقیقه ۹۱ با ضرباتی زیبا موفق شدند برای جنگجویان تائه‌گوک گلزنی کنند تا این تیم پس از باخت پنج بریک مقابل برزیل، به بردی شیرین دست پیدا کند و آن باخت تلخ را به دست فراموشی بسپارد.

پیش از این دیدار تیم ملی فوتبال ژاپن در جدال با تیم ملی فوتبال برزیل با یک گل شکست خورد. نکته این بازی گلزنی دوباره نیمار بود. او در چند روز گذشته ستاره تیمش بوده.

بازیکن برزیلی پی اس جی با سه گلی که مقابل کره جنوبی و ژاپن به ثمر رساند، حالا ۷۴ گل ملی زده که ۱۹ تایش از روی نقطه پنالتی بوده است.

نیمار در تاریخ فوتبال برزیل از رونالدو نازاریو با ۶۲ گل عبور کرده است و به پله ۷۷ گله به‌عنوان بهترین گلزن تاریخ فوتبال برزیل خیلی نزدیک است. بازیکن پی اس جی با ۱۱۹ بازی ملی پشت سر دنی آلوز و روبرتو کارلوس با ۱۲۵ و کافو با ۱۴۲ بازی ملی قرار دارد.

او به احتمال فراوان تا جام جهانی خواهد توانست که به پله برسد و به بهترین گلزن تاریخ تیم ملی برزیل تبدیل شود؛ رکوردی که سالیان سال است به پله تعلق دارد و حالا قرار است که توسط یک بازیکن دیگر شکسته شود.

نیمار هر سه گل اخیرش در تیم ملی برزیل را از روی نقطه پنالتی به ثمر رسانده است. برزیل و آرژانتین قرار بود که هفته آینده دیدار دوستانه‌ای در شهر ملبورن داشته باشند که این بازی لغو شد و حالا نیمار و تیم ملی کشورش باید منتظر وقفه بعدی بازی‌های ملی باشند. البته گفته می‌شود که بازی معوقه برزیل و آرژانتین از سری مسابقات راهیابی به جام جهانی نیز قرار است که در طول فصل آینده برگزار شود.